

تحولات راهبرد پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵)

شهرداد دارابی

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قم) *

چکیده

در قلمرو گفتمان راهبرد انقطاعی مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، رویکردهای نوین پیشگیری از جرم به سوی تحدید فرصت‌های ارتکاب بزه با تأکید بر پارادایم امنیت‌مداری جهت‌مند شده است. امری که رهیافت پیشگیری موقعیت‌مدار را با استناد به رویارویی کشورهای دموکراتیک با جرائم تروریستی، ریزومیک‌شدن جرائم، سیطره قدرت‌های نوظهور، سازمان‌یافته شدن و جهانی شدن بزهکاری و مدیریت ریسک جرم بر راهبرد پیشگیری جامعه‌مدار مرجح دانسته است. از این رو اگرچه تا پیش‌تر تدابیر حداکثری پیشگیری‌های غیر تدافعی و راهبرد کمینه‌ای مداخله نظام کیفری در کشورهای دموکراتیک تغلیب می‌یافت و در قرابت مقطعی تدابیر پیشگیرانه مدل مردم‌سالار سیاست جنایی به مدل اقتدارگرایی فراگیر، التزام به پاسداشت آموزه‌های حقوق بشری مرعی بود. اما در سال‌های اخیر با گسترش جامعه امنیتی در کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، شاهد به محاق رفتن راهبرد پیشگیری حقوق بشرمدار و اتخاذ راهبرد پیش رونده در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد به بهانه ایجاد جامعه امن هستیم. در این نوشتار سعی شده است با بررسی تحولات راهبرد پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، دلایل و وجوه مختلف آن نیز تبیین شود.

کلیدواژگان: پیشگیری حقوق بشرمدار، مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، امنیت‌مداری، مدل اقتدارگرایی فراگیر، راهبرد پیش‌رونده.

مقدمه

بدون تردید نظام‌های سیاسی بر اساس جهان‌بینی و رویکرد ارزشی نهادینه‌شده خود، ساختارهای متناسب را در قالب سیاست جنایی بنا می‌نهند؛ بر این اساس شکل‌گیری مدل‌های مختلف سیاست جنایی در کشورها و راهبرد پیشگیری از جرم که متأثر از بافت حاکمیت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه است، توسط متولیان امر اتخاذ شده است که معمولاً در طول زمان به طور نسبی یا مطلق تغییر می‌کند.

از آنجا که ارزش غالب در سیاست جنایی دولت‌های مردم‌سالار آزادی و نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی و مردم‌سالاری است، با تفکیک جرم و انحراف و در نظر داشتن اصل قانونمندی جرم و مجازات، دولت معمولاً توان خویش را در پاسخ‌دهی به جرم و جامعه مدنی، پاسخ به انحراف را سامان می‌بخشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۶) در عرصه پیشگیری از جرم نیز تمسک به تدابیر پیشگیرانه ایجابی - اقناعی با رعایت حمایت نسبتاً قوی از حقوق پیشگیری، راهبرد اصلی محسوب می‌شود.

آزادی حقیقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند؛ مشروط بر آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۹۶) به عبارت دیگر آزادی به‌عنوان یک استعداد درونی، برابر است با استعداد آغازگری؛ درست همانطور که واقعیت سیاسی معادل با فضای لازم برای حرکت در میان انسان‌ها است (آرنت، ۱۳۶۶: ۳۳۱). در کشورهای مردم‌سالار، آزادی افراد تا جایی که به منافع عمومی جامعه آسیبی وارد نسازد، از تضییق مصون می‌ماند و معمولاً کنشگران عرصه پیشگیری از جرم، پیشگیری را به‌عنوان هدفی که هر وسیله‌ای را توجیه کند، در دستور کار خویش قرار نمی‌دهند؛ بنابراین دولتمردان کشورهای مردم‌سالار همواره تلاش کرده‌اند تا در دوران و تراحم میان رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و مصالح یا منافع دولتی، موازنه نسبی برقرار کنند و آموزه‌های حقوق بشری را در این میان مدنظر خویش قرار دهند.^۱

۱. پیدایش جرم‌شناسی پیشگیری مصادف با تشکیل سازمان ملل متحد، عصر حقوق بشر، پایان جنگ جهانی دوم و کارنامه روی هم رفته منفی نظام کیفری از نظر حقوق بشر در نیمه نخست سده بیستم بود (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱). ظهور راهبرد پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیده شدن شهروندان، در واقع به دنبال کاهش مناسبت‌های مداخله نظام‌های کیفری، اداری و انضباطی در برابر بزهکاری و تخلفات با هدف صرفه‌جویی در هزینه‌های مادی - اجتماعی - انسانی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۹). بی‌شک، جوامع مردم‌سالار

بر این مبنای، در سال‌های نه چندان دور، دولت‌های مردم‌سالار تأمین و تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم را برای کنترل و کاهش بزهکاری در اولویت قرار می‌دادند (دارابی، ۱۳۹۵: ۶۸) و بر این عملکرد راهبردهای پاسخ‌دهی، بر اساس تلقی بزهکاری، به‌عنوان محصول سازوکارهای اجتماعی - روانی یا زیستی طراحی می‌شدند که اهتمام دولت را معطوف به اعمال و به‌کارگیری سیاست‌ها و طرح‌های پیشگیرانه جامعه‌مدار می‌کردند.^۱

از این رو در نظام‌های مردم‌سالار سیاست جنایی، مفهوم مجرمیت در قالب معضلی اجتماعی تبلور می‌یافت که ناشی از محرومیت‌های نسبی، نارسایی‌های موجود در جامعه از جمله فقر، حاشیه‌نشینی، بیکاری، مشکلات عاطفی - روانی و ... تفسیر می‌شد؛^۲ به عبارت دیگر نظام‌های دموکراتیک به طور معمول با تأسی از یافته‌های مطالعات جرم‌شناختی، به خصوص جرم‌شناسی انتقادی، مجرمیت را براساس وجود فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه، فشار ناشی از خلاء میان وسایل ساختاری و اهداف مورد نظر، عدم توزیع عادلانه منابع ثروت و افزایش اختیارات ضابطین و قضات در برچسب‌زنی تبیین می‌کردند و دامنه مسئولیت شخص بزهکار را تقلیل می‌دادند.

با این حال اگرچه در مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی، کنترل دولت بر پاسخ‌های مربوط به پدیده جنایی اغلب با توسعه قلمرو مداخله کیفری و با تقویت موازی اختیارات پلیس است (دلماس

با بهره‌مندی از رویکردهای علت‌شناختی بزهکاری به دنبال تقویت مهارت‌های اجتماعی، اصلاح و پرورش خصوصیات شخصیتی شهروندان، به ویژه اطفال، از گذر مؤلفه‌های کنشی و حمایتی هستند.

۱. این مهم به ویژه در سطح مطالعات جرم‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به طرح سیاست‌هایی منجر می‌شود که با هدف پیشگیری از شکل‌گیری شخصیت مجرمانه و گاه با هدف تغییر هویت ضد اجتماعی اشخاص بزهکار ملازم دارد (نجفی توانا و دارابی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). مطالعات مبین آن است که پیشگیری اجتماعی در ربع آخر قرن گذشته در فرانسه تا حدود زیادی رشد کرد (جندلی، ۱۳۹۲: ۶۴).

۲. در کشور فرانسه، تدابیر پیشگیری اجتماعی با رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین، نه فقط برای نوجوانان بزهکار بلکه به طور کلی نسبت به همه دوره‌های سنی با همکاری شورای پیشگیری از بزهکاری - با ریاست فرانسوا میتران - و حتی در سطح گسترده‌تر در قالب سیاست امور شهر تجلی پیدا کرد. ایدئولوژی کلی الهام بخشی اقدام‌های مختلف پیشگیری اجتماعی بر نظریه‌های مارکسیستی تحلیل بزهکاری مبتنی بود (گسن، ۱۳۸۸، ۸۳۲). از این رو، در مدل دموکراتیک سیاست جنایی پیشگیری از بزهکاری نیز با رعایت و یا تحقق بخشیدن به اصول حقوق بشر موجب پیشگیری عادلانه از جرم خواهد شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۷۰) از این رو ارتقاء سطح برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهت افزایش کیفیت زندگی در شهر و مناطق شهری اولویت می‌یابد (گسن، ۱۳۸۳: ۲۷۱) و تأثیرپذیری از یافته‌های علوم جنایی تجربی مانند بزه‌دیده‌شناسی و جرم‌شناسی موجب تثبیت جایگاه تدابیر پیشگیرانه کنشی می‌شود.

مارتی، ۱۳۹۵: ۱۲۰) و ترسیم رویکردهای امنیتی به بزهکاری و نظارت همه جانبه بر خلوت و زندگی مردم در اولویت راهبرد پیشگیری از جرم قرار می‌گیرد، کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی نیز به صورت مقطعی، مرزهای مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی را درنور دیده‌اند و با هم‌گرایی نسبی در اتخاذ گونه‌های پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و حذف برخی تدابیر پیشگیرانه انسان‌مدار، پارادایم امنیت در آزادی را به راهبرد آزادی در امنیت تغییر داده‌اند؛ آن‌گونه که گرایش به پیشگیری موقعیت‌مدار به‌عنوان مهم‌ترین چالش فراروی مدل مردم‌سالار سیاست جنایی محسوب شده و حق بر تأمین حقوق و آزادی‌های مردم در برابر نهادهای دولتی قربانی می‌شود؛ آنچنان که با دولتی شدن سیاست جنایی حضور جامعه مدنی^۱ نیز در راهبرد پیشگیری از جرم کم‌رنگ می‌شود.

مطالعه تحولات راهبرد پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. پرسش اساسی آن است که دلایل مهم تغییر راهبرد پیشگیری از جرم در کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش با رعایت روش توصیفی - تحلیلی در گفتار اول نقش جرائم فراملی در قرابت دولت‌های مردم‌سالار به مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی و در گفتار دوم امنیت مدارشدن راهبرد پیشگیری از جرم در پرتو حاکمیت سیاسی و الگوی جدید جرائم تبیین خواهد شد.

۱. نقش جرائم فراملی در قرابت دولت‌های مردم‌سالار به مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی

امروزه صحبت از وجود یک مدل واحد سیاست جنایی در کشورها چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. هر اندازه که دولت‌ها سعی در حفظ ساختار و انسجام یک مدل سیاست جنایی داشته باشند، با اتخاذ پاسخ‌های متنوع به مقوله بزهکاری که برخی مواقع با رویکرد سزاگرا و امنیت‌مدار و

۱. در یک چشم انداز کلان، جامعه مدنی را می‌توان شکلی از نهادهای غیردولتی دانست که توسط اشخاص یک جامعه به منظور حصول به اهداف معینی، فارغ از منافع شخصی تشکیل دهندگان ایجاد شود (ایرواتیان، ۱۳۹۲: ۳۰۴). بنابراین نهادهای مدنی از بستر جامعه برخاسته و از شهروندان داوطلب و مستقل از حکومت تشکیل می‌شوند و به ایفای نقش در جامعه می‌پردازند. بدیهی است نظام سیاسی مردم‌سالار با حفظ تکثر سیاسی، شفافیت گفتمان، نقش نظارتی دولت و حاکمیت، در اداره عمومی با حضور مفید، مؤثر و فعال جامعه مدنی تلاش می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۶۰).

گاهی اوقات با نگرش انسان‌گرا و آزادی‌مدار همراه است، مرزهای دولت دموکراتیک تا اقتدارگرایی فراگیر را کم‌رنگ نموده‌اند؛ بدین‌سان مرجع غالب کشورها با سیاست جنایی مردم‌سالار که در مرحله تنظیم و وضع این مهم تحت تأثیر ایدئولوژی‌ها و جریان‌های سیاسی لیبرال - دموکراتیک هستند، گاهی اوقات با اتخاذ گونه‌های پیشگیری در مدل حکومت‌های اقتدارگرا به توسعه مداخله‌های امنیتی و انتظامی می‌پردازند.

براین اساس، دولت‌های دموکراتیک نیز در دهه‌های اخیر شاهد یک تغییر جهت در اولویت سیاست جنایی خود بوده‌اند و حق بر امنیت را بر سایر حقوق انسانی برتری داده‌اند (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳۶). لذا در حوزه پاسخ‌شناسی و مطالعه مناسبات حکام با شهروندان، آسیب‌های متعددی نسبت به کیفیت زندگی مردم مشهود است.^۱

بدین ترتیب، مطالعات جرم‌شناختی به مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و اقدامات کنشگران پلیسی - امنیتی منتقل شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶) و در عرصه راهبرد سخت‌گیرانه جوامع مردم‌سالار، رویکردهای نوین به سوی تحدید فرصت ارتکاب جرم توسط مجرمین بالقوه جهت‌مند شده‌اند؛ امری که اصولاً رهیافت پیشگیری موقعیت‌مدار را با هدف توان‌گیری مدنظر قرار داده است. بنابراین مدل مردم‌سالار سیاست جنایی در خصوص راهبرد پیشگیری از جرم با چرخش ایدئولوژیکی همراه بوده است. اگر تا پیش‌تر الگوی حمایتی دولت رفاه، پیشبرد ایمنی اجتماعی، بهزیستی شهروندان و اصلاح و درمان بزهکاران مدنظر قرار می‌گرفت، لیکن توسعه ترس از جرم ناشی از جرائم مستحده در جامعه و شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی - اجتماعی، بسترهای افول دولت رفاه را فراهم ساخت؛ تا آنجا که واضعان سیاست جنایی به طور قابل توجهی تغییرات اساسی در حوزه پیشگیری و کنترل جرم را پذیرفتند. به این ترتیب مصروف شدن مبالغ هنگفت جاری در

۱. در دهه‌های نه چندان دور، گسترش پیشگیری اجتماعی از جرم در کشورهای واجد نظام سیاسی دموکراتیک و کشورهایی که دوران اختلافات سیاسی را سپری کرده‌اند، همراه با حمایت‌های قانونی مشهود بود. همچنان که در رهنمودهای سازمان ملل نیز بر اولویت این مهم در پرتو حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر تأکید شده است (شاو، ۱۳۹۴: ۱۷۷). برای نمونه مدل فرانسوی پیشگیری از جرم که در اوایل دهه ۱۹۸۰ طراحی و به نام بن مزون، نماینده مجلس شورای ملی فرانسه، نام گرفت، بر روی پیشگیری اجتماعی تمرکز یافت. هدف این مدل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر شخصیت و شرایط زندگی افراد جامعه جهت پیشگیری از بزهکاری، رفتارهای نابه‌هنجار و کاهش عوامل اجتماعی جرم بود (Wyvekens, 2011: 117). بر این اساس استفاده از ظرفیت مردم و نهادهای مدنی، مشارکت و تجهیز آنها برای پیشگیری از بزهکاری و نهادینه‌شدن پیشگیری حقوق بشرمدار و عینیت‌یافتن دموکراسی در عمل است.

امتداد اندیشه تفوق پیشگیری اجتماعی از یک سو و خیزش فزاینده جرائم از سوی دیگر در کشورهای مردم‌سالار، شرایط تبدیل دولت آزادی‌مدار را به دولت امنیت‌مدار فراهم ساخت. بر این اساس، برقراری امنیت و دفاع اجتماعی با نگرشی عمل‌گرا در جوامع مردم‌سالار که لغزش از رعایت حقوق و آزادی‌های افراد را بر نمی‌تافت، در سایه بزه‌دید شده شهروندان در قبال جرائم فراملی مانند حملات تروریستی، سازمان‌یافته شدن و جهانی‌شدن بزهکاری مدل مردم‌سالار سیاست جنایی کشورهای دموکراتیک را در برخی موارد به مدل اقتدارگرای فراگیر نزدیک کرد.

۱-۱. رویارویی کشورهای دموکراتیک با جرائم تروریستی

امروزه پدیده تروریسم به‌عنوان معضلی جدی برای صلح و امنیت داخلی و بین‌المللی دولت‌ها تلقی می‌شود و گرانیگاه بسیاری از پاسخ‌های مدل مردم‌سالار سیاست جنایی را برهم زده است؛ آن‌چنان که کنترل اجتماعی حداکثری را جایگزین پیشگیری اجتماعی حداکثری کرده است و ریسک‌مداری، پایش، نظارت و مراقبت، جایگزین مرتفع کردن ریشه‌های موجد بزهکاری در این جوامع شده است.

از آنجا که دامنه و جغرافیای جرائم تروریستی در آغاز سده بیست و یکم، به‌ویژه پس از تکمیل تروریستی به برج‌های مرکز تجارت جهانی نیویورک، به وسعت جهان گسترش یافته است، می‌توان از «جهانی‌شدن» تروریسم و در نتیجه «جهانی‌شدن سیاست جنایی در برابر بزهکاری تروریستی» در پرتو اسناد سازمان ملل متحد سخن به میان آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۶). آمار فزاینده هدف قرار گرفتن کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی مبین آن است که تهدیدات مرتکبین جرائم تروریستی منحصر به کشور خاصی نبوده و علیه اکثر جوامع دنیا صورت پذیرفته است.

در واقع، از آنجا که جرائم تروریستی بدون مرز هستند و هدف اصلی تروریست‌ها ایجاد رعب و وحشت در جامعه و ناکارآمد جلوه دادن حکومت‌هاست، بزه‌دیدگان آن‌ها موضوعیت نداشته و معمولاً هیچ رابطه‌ای میان مرتکبین جرائم تروریستی و قربانیان آن‌ها وجود ندارد؛ شاخصه‌ای که قابلیت پیشگیری^۱ از حملات تروریستی را بسیار سخت می‌کند. کافی است راننده یک خودرو که

۱. Preventability

هیچ سلاح جنگی در اختیار ندارد با قصد ارتکاب حمله تروریستی، مسیر خود را به سمت محل تجمع مردم در خیابان تغییر دهد.^۱

برای نمونه در قانون تقویت امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم فرانسه^۲ که با گذشت ۷۱۹ روز از حالت فوق‌العاده در این کشور تصویب شد، قانون‌گذار اختیارات وسیعی را برای پلیس و نیروهای امنیتی این کشور در پرتو تدابیر پیشگیرانه ریسک‌مدار در نظر گرفته است. بر این اساس، قانون جدید ضد تروریسم به نیروهای پلیس و امنیتی این اختیار را داده است که نسبت به بازداشت بدون اتهام^۳ مظنونین به جرائم تروریستی اقدام کنند یا اماکن و نهادهای مذهبی را در صورت ترویج افکار افراطی، بدون نیاز به مجوز قضایی تعطیل کنند.

به موجب این قانون دولت اجازه می‌یابد که مجوز محدود کردن افراد را در شهرهای محل زندگی‌شان صادر کند؛ همچنان که نیروهای پلیس می‌توانند بدون مجوز دادگاه، افراد مظنون را بازرسی کرده و خودروها را تفتیش و هر جا که لازم دیدند، ایستگاه‌های بازرسی موقت دایر کنند. افزون بر این، مظنونین جرائم تروریستی با حبس خانگی روبه‌رو خواهند شد و مأموران امنیتی مجوز حمله به محل زندگی و کار آن‌ها را در هر زمان از شبانه‌روز خواهند داشت. بر این اساس شش ماکالمات، ارتباطات الکترونیکی، تجسس از اموال عمومی، بررسی ایمیل‌ها، توقیف پاسپورت و کارت شناسایی افرادی که ظن پیوستن آن‌ها به گروه‌های تروریستی وجود دارد، مجوز قانونی می‌یابد. همچنین پلیس مجوز خواهد داشت از مسافران در فاصله ۲۰ کیلومتری مرزهای فرانسه و همچنین در بنادر، مناطق مرزی، ایستگاه‌های قطار و فرودگاه‌ها کارت شناسایی خواسته یا آن‌ها را تفتیش و بازرسی کند؛ علاوه بر این‌ها، بر نصب دوربین‌های مدار بسته برای کنترل اماکن عمومی و تقویت امنیت فرانسه نیز تأکید شده است.

روشن است، اگرچه ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی ۱۹۶۶ دولت‌های عضو را مکلف به رعایت شرایط لازم در حالت فوق‌العاده دانسته و اشعار می‌دارد: «هرگاه یک خطر عمومی استثنایی موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق

۱. در سال ۲۰۱۷ در یک حمله تروریستی از طرف گروه داعش، یک دستگاه کامیون، مردم حاضر در تجمع روز ملی فرانسه در شهر نیس را زیر گرفت. بنا بر اعلام پلیس این کشور ۸۴ تن را کشته و بیش از ۱۳۰ نفر دیگر را زخمی نمود (www.isna.ir)

۲. Strengthening Internal Security & the Fight against Terrorism Act -2017

۳. Detention without Charge

می‌توانند، تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق را در حد لازم اتخاذ کنند». با تصویب قانون جدید ضد تروریسم در فرانسه یک وضعیت فوق‌العاده دائمی اعلام شده است که به دولت فرانسه اجازه می‌دهد به نام مبارزه با تروریسم، بدون داشتن شواهد محکم و مجوز قضایی اقدام به تدابیر پیشگیرانه غیر حقوق بشری کند.

بدیهی است با اتخاذ این تدابیر در کشور فرانسه شاهد استحاله اختیارات دستگاه قضایی فرانسه به نفع قوه مجریه هستیم و اعمال قانون ضد تروریستی اخیر، مدل مردم‌سالار سیاست جنایی فرانسه را از اتصاف به سیاست جنایی عادلانه به مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر با رویکرد سزاگرا و امنیت‌مدار سوق می‌دهد.

در کشور کانادا نیز مدت زمان کنترل تلفن فرد مظنون به داشتن فعالیت‌های تروریستی، از شصت روز به یک‌سال افزایش یافت. مطابق قانون میهن‌پرستی امریکا^۱ وزارت دادگستری اختیار داشت که افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی را برای مدت نامحدود در بازداشت نگهداری کند (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

باید اذعان داشت، اگرچه یافته‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی نیز در حوزه پیشگیری در چهارچوب و با تکیه بر موازین حقوق بشر وارد سیاست جنایی به مفهوم موسع می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۹۳۵)، اما دولت‌های مردم‌سالار نیز در وضعیتی که شهروندان به دلیل افزایش جرائم تروریستی دچار رعب و وحشت می‌شوند و این امر با گزینشگری اخبار جنایی^۳ توسط رسانه‌ها

۱. Patriot Act؛ این قانون که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وضع گردید، به ظاهر در سال ۲۰۱۴ منقضی گردیده است؛ مع‌الوصف به گفته ادوارد اسنودن، کارمند سابق سازمان اطلاعات (CIA) و آژانس امنیت ملی امریکا (NSA)، همچنان نهادهای امنیتی در امریکا از این اختیارات برخوردارند (www.middleeastpress.com)

۲. همچنین شرکت‌های هوایی امریکا باید برخی اطلاعات مربوط به مسافری را مطالبه کنند. این اطلاعات «ثبت مشخصات مسافر» نام دارد و به واحدهای مربوط به خدمات هوایی از آژانس مسافرتی تا نیروهای خدمات در فرودگاه اجازه می‌دهد تا ضمن شناسایی مسافر، از پرواز او، رفت و آمدش، پرواز ترانزیت، خدمات اختصاصی خواسته شده توسط او، تماس‌های تلفنی او پیش از نشستن روی زمین، پرداخت‌های رزرو هتل، اتومبیل، غذا و .. مطلع شوند (ابراهیمی، همان).

۳. شهروندان از طریق اخبار و گزارش رسانه‌های آزاد و مستقل در جریان رویدادهای جنایی و نیز طرز کار و عملکرد عدالت کیفری قرار می‌گیرند. رسانه‌ها با توجه به دو معیار و ویژگی‌های یک رخداد جنایی (مانند قتل فجیع، تجاوز به عنف گروهی)، موقعیت خاص اجتماعی مرتکب (مانند یک وزیر، یک ورزشکار مشهور) یا بزه‌دیده (مانند یک هنرپیشه مشهور، یک شخصیت سیاسی) دست به گزینشگری اخبار جنایی می‌زنند و با تفصیل و تصویر، چگونگی آن را به صورت گسترده بازتاب داده و احساس ناامنی و ترس از جرم را در جامعه دامن می‌زنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۸).

تشدید می‌شود، تحدید برخی از آزادی‌های بنیادین افراد جامعه را با مطالبه امنیت توسط آن‌ها رقم می‌زنند و با افزایش روزافزون اختیارات قوای دولتی و کاهش نظارت مقامات قضایی، موجب واگرایی در سیستم قضایی و تمرکزگرایی بر پلیس، نهادهای امنیتی و مقامات دولتی می‌شوند.

۱-۲. سازمان یافته‌شدن جرائم و جهانی شدن بزهکاری

پیدایش سازمان‌های مجرمانه که بر مبنای ارتکاب جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، اسلحه و انسان، دزدی دریایی، برده‌داری، پول‌شویی و ... شکل گرفته و با قدرت روزافزون، مرزهای کشورهای مختلف را درنور دیده‌اند و قلمرو فعالیت فراملی را برای خود تعیین می‌کنند، خسارت‌های انسانی و اقتصادی جبران‌ناپذیری را بر پیکره دولت‌ها وارد ساخته است. این مهم در کنار قلمروزدایی و به هم پیوستگی دنیای امروز با پدیده جهانی شدن^۱، شرایط مطلوبی را برای بزهکاران فراهم کرده است تا به عنوان تهدیدی جدید برای امنیت جامعه بشری محسوب شوند.

جهانی‌شدن اقتصاد و وابستگی اقتصاد کشورهای دنیا به همدیگر، توسعه صنایع مربوط به ارتباطات و حمل‌ونقل بین‌المللی و تبدیل شدن دنیا به دهکده جهانی موجب شده است تا جرم سازمان یافته جنبه فراملی به خود گیرد و قلمرو خود را به عرصه بین‌المللی بگستراند (نجفی ابرنآبادی و همکاران، ۱۳۷۹: ۵۳).

بدون تردید برای مقابله با جرائم سازمانی و جرائمی که جهانی شده‌اند، اتخاذ پاسخ‌های جهانی ضروری است. به نظر می‌رسد کنوانسیون سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد، علیه بزهکاری سازمان یافته فراملی (موسوم به کنوانسیون پالمو) تدابیر مناسبی را پیش‌بینی کرده است. در این میان اکثر کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی هم‌سو با جامعه جهانی از تصمیمات بین‌المللی در راستای پیشگیری از این جرائم استقبال کردند.

با این همه، پیشگیری از جرائم جهانی و سازمان یافته در قیاس با سایر جرائم تابع شرایط خاص و پیچیده‌ای است. در بادی نظر ترجیح ریسک جرم با تأکید بر منفعت‌مداری و سودجویی مجرمان

۱. علی‌رغم تعابیر گوناگون در خصوص مفهوم جهانی شدن، باید اظهار داشت جهانی شدن آن طوری که مخالفان می‌گویند امری از پیش تعیین شده نیست، بلکه پدیده‌ای است که بر اثر نیازهای جوامع بشری و افزایش تبادلات فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روز به روز با رشد فزاینده‌ای همراه است (خواجه نوری، ۱۳۹۶: ۲۸).

در این طیف از جرائم موجب می‌شود که یافته‌های نظریه انتخاب عقلایی، به‌عنوان یکی از مبانی بهره‌مندی حداکثری از گونه پیشگیری وضعی و تدابیر پیشگیری موقعیت‌مدار قلمداد شود. گسترش جرائم سازمان‌یافته و خیزش فزاینده جرائم جهانی شده موجب گردیده است که واضعان سیاست جنایی در کشورهای مردم‌سالار نیاز به تأمین امنیت را با ترجیح امنیتی شدن جامعه و توجیه اقدامات کنترلی که به تضییق دامنه آزادی‌های فردی می‌انجامد، در اولویت راهبرد پیشگیرانه خویش قرار دهند.^۱ این موضوع در کنار تغییرپذیری آماج و اهداف مرتکبان جرائم سازمان‌یافته و پویایی سیاست جنایی، نقش مؤثری در تغییر موازنه پیشگیری اجتماعی به نفع پیشگیری وضعی از جرم در این کشورها داشته است.

۲. امنیت‌مدار شدن راهبرد پیشگیری از جرم در پرتو حاکمیت سیاسی و الگوی جدید جرائم مدل‌های سیاست جنایی تفاوت‌های سیاسی بین جرم‌شناسی و نظام عدالت کیفری را بر اساس میزان تأثیرپذیری این دو از یکدیگر تبیین می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که رابطه بین پذیرش یا امتناع از به‌کارگیری روش‌های خاص یا فنون مرتبط با گونه خاصی از پیشگیری از جرم را مدنظر قرار داده و با تأثیرپذیری سیاست جنایی از بافت سیاسی حاکم، شیوه‌های پیشگیری صرف‌نظر از کارآمدی و قدرت نظری، در راستای مرام و ایدئولوژی احزاب توجیه شده است و این مهم را در رد یا استفاده، مناط اعتبار قرار می‌دهند.

بدون تردید، طیف سیاسی در هر جامعه انطباق کاملی با طیف سیاسی جامعه دیگر ندارد، مگر اینکه در هر دو وضع موجود کاملاً یکسان باشند. ضمن اینکه با رشد سیاسی جوامع، رویکرد احزاب حاکم در قدرت و سیاست جنایی آن‌ها نسبت به مسائل متفاوت می‌شود؛ بنابراین وقتی که آثار تغییرات در بافت سیاسی حاکم و تشکیلات دولتی-قضایی و پلیسی مشهود می‌شود، تأثیرگذاری اندیشه‌های سیاسی بر اتخاذ رویه‌های پیشگیری از جرم و حوزه وسیع سیاست جنایی و تغییر در اولویت‌های مربوط به اقدامات پیشگیرانه از جرم امری بدیهی است.

۱. روشن است، جرایم رایج در یک جامعه، آینه تمام‌نمای ماهیت سیاسی-اقتصادی و نوع مدیریت آن جامعه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۲۳) مؤلفه‌ای که می‌تواند موجب الزام‌های مادی و معنوی در راستای تحولات بنیادین راهبرد پیشگیری از جرم در دولت‌های تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی باشد.

بنابراین نظام محافظه‌کار ممکن است برخی شیوه‌های پیشگیری از جرم را رد کند؛ زیرا فرضیه آن‌ها را مرتبط با مدل‌های پیشگیری از جرم نظام‌های رادیکال و لیبرال می‌داند و به‌عکس مدل رادیکال ممکن است سایر تکنیک‌هایی را که زمینه‌های آشکار ناشی از یک رویکرد محافظه‌کار دارد، رد کند؛ اگرچه در برخی اوقات شرایط خاص حاکم بر جامعه ممکن است زمینه‌ای برای عقب‌نشینی از بحث‌های ایدئولوژیک و ارزشی باشد و سیاست جنایی دولت‌ها در مرحله اجرا در مقطعی از زمان اختلافات دیدگاهی و حزبی را مستثنا کند.

این موضوع در کنار فراوانی جرم و التهاب اجتماعی ناشی از افزایش ابزار اطلاع‌رسانی، توسعه فضای مجازی، رخنه وسیع شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها، تلفن همراه و ... جوامع را در برابر بحران پدیده ریزومیک شدن جرائم قرار داده است که اجتناب از آن سهل نیست. از این رو در ادامه دو مؤلفه مطروحه بررسی می‌شود.

۲-۱. جوامع مردم‌سالار در سیطره قدرت‌های نوظهور

تأثیر اندیشه‌های سیاسی بر اتخاذ رویه‌های پیشگیری از جرم، حوزه وسیع سیاست جنایی و تغییر در اولویت‌های تدابیر پیشگیرانه، از اهمیتی انکارناشدنی برخوردار است. لذا تنوع و تکثر بافت‌های سیاسی و نوع نگرش حاکمیت ملی در خصوص پدیده بزهکاری، پاسخ‌های گوناگونی را در مرحله قبل و بعد از ارتکاب جرم پیش‌روی دولت‌ها قرار داده است.^۱

بدون تردید چرخش سیاسی حاکمیتی در دولت‌های مردم‌سالار به سوی جناح راست موجب رجحان سیاست‌های این طیف شده است. در سال‌های اخیر وجه غالب کشورهای غربی که داعیه اقدامات بشردوستانه را در زمینه‌های پیشگیری مطرح می‌کنند، چرخش مشهودی به مداخله پیشینه‌ای در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندان داشته‌اند. با آنکه این مهم ناشی از خیزش فزاینده جرائم و اشکال مختلف آن است، اما به قدرت رسیدن احزاب و دولت‌هایی که در دوران پیدایش جوامع

۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این مهم مورد اشاره و تصدیق قرار گرفته است. تأکید بر اهمیت خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه (اصل دهم)، حمایت از مادران در نگهداری و تربیت فرزندان (اصل بیست و یکم)، فراهم کردن فرصت‌های شغلی (اصل بیست و هشتم)، تأکید بر فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه (اصل سی ام)، تأمین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل سی و یکم) و تنظیم اقتصاد ایران به گونه‌ای که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده و اشتغال کامل) تأمین شود (اصل چهل و سوم) از اصول راهبردی پیشگیری از جرم تلقی می‌شوند.

مردم‌سالار از اقبال عمومی مطلوبی جهت قرار گرفتن در مسند قدرت برخوردار نبودند، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

روشن است که دولت‌ها نسبت به حمایت از حقوق بنیادین مردم از گذر برقراری توازن میان حق شهروندان بر داشتن امنیت جانی - مالی و حق آنان بر داشتن تأمین در برابر کشگران در نهادهای عدالت کیفری (امنیت حقوقی- قضایی) مسئول می‌باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۶۰۶) اما تحولات سیاسی حاکم در جوامع مردم‌سالار به تحولات عرصه پیشگیری از جرم و نظام عدالت کیفری کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی نیز تسری یافت و دوران گذار راهبرد پیشگیری از جرم دولت‌های آزادی‌مدار را تسریع کرد.

در دهه‌های اخیر چرخش سیاسی - حاکمیتی در دولت‌های مردم‌سالار به سوی جناح راست موجب رجحان سیاست‌های این طیف شده است. مکتب جرم‌شناسی راست جدید که در اواخر قرن بیستم با ساختاری نسبتاً سیاسی نضج یافت، امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا همچون امریکا، کانادا، انگلستان و استرالیا به‌عنوان مدلی کارآمد در نظام عدالت کیفری آن‌ها تبلور یافته است.

عدم موفقیت نظام کیفری انسانی و جرم‌شناختی شده با اعتقاد به ناکارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی، موجب رسوخ این اندیشه در افکار واضعین سیاست جنایی شده است که لزوماً کنترل‌گرایی و سخت‌گیری کیفری در جرائم، بیش از پیش ضرورت یافته است (نجفی توانا و دارابی، ۱۳۹۵: ۲۲۴) از این رو در دهه‌های اخیر، جوامع مردم‌سالار شاهد به قدرت رسیدن احزابی هستند که نگرش سیاسی حاکم بر آن‌ها در عرصه پیشگیری از جرم بر مبنای مدیریت ریسک جرم، کنترل گروه‌های خطرناک و نظارت بیشتر شکل گرفته است.

سیاست مداران ریسک مدار، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، اقتصادی و مطالبات امنیتی مردم از سیاستمداران و حاکمان، گاه تا عوام‌گرایی- توده‌گرایی، سیاست‌زدگی یا امنیت‌گرایی نیز پیش رفته‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۲۳). برای نمونه در کشور بلژیک با به قدرت رسیدن احزاب محافظه‌کار و تقویت نسبی اقتدارگرایی، دولت فدرال بلژیک که از یک جامعه آزادی‌مدار با سیاستی سوسیال- دموکراتیک برخوردار بود، راهبرد تأمین امنیت از طریق اولویت‌بخشیدن به اعمال بیشتر پیشگیری‌های وضعی فناورانه و اعطای اختیارات وسیع‌تر به پلیس و نهادهای قضایی را در دستور کار خویش قرار داد (هبرشت، ۱۳۹۵: ۲۱۸) این موضوع در کشورها و ادوار مختلف، با به قدرت رسیدن افرادی همچون سارکوزی در فرانسه، جرج بوش پدر و پسر یا ترامپ در امریکا و...، با امعان

نظر به صدارت مقطعی دولتمردان، لزوم استناد به طرح‌های زودبازده و با دست‌یازیدن به رویکردهای عوام‌گرایانه شدت گرفته است و مدل مردم‌سالار سیاست جنایی را از اصول و مبانی اولیه خویش تهی ساخته است.

بدیهی است که انشقاق در میان طیف‌های سیاسی چپ و راست و به‌قدرت‌رسیدن راست‌گرایان افراطی غربی و نومحافظه‌کار موجب می‌شود، سیاست‌های کنترل و پیشگیری از بزهکاری از مدل حمایتی و بالینی فاصله بگیرد و با سلب توان بزهکاری، سخت‌گیری، شدت‌گرایی و مدل محافظه‌کار^۱ پیشگیری از جرم همراه باشد.

۲-۲. ریزومیک‌شدن جرائم

تغییر یا تبدیل اشکال جرائم از نوع سنتی آن به گونه‌های ظریف و پیچیده و نامکانی شدن آن‌ها یکی دیگر از دلایل گرایش متولیان سیاست جنایی کشورهای دموکراتیک به سمت اقتدارگرایی است.

ریزومیک‌شدن جرائم، تولد رفتارهای جنایی نوظهوری است که در شکل‌گیری آن از مرزبندی‌های بوم‌شناسی جنایی و تفکر خطی پیرامون کانون‌های جرم‌خیز خبری نیست؛ امری که پدیده‌ناامنی را به جزء لاینفک زندگی شهری بدل ساخته است. دنیای مجازی، اینترنت، موبایل و گسترش تصاعدی و ریزوم گونه‌کنش‌های مجرمانه در سراسر جامعه، راهبردهای موجود پیشگیری از جرم و برقراری امنیت شهری را تحت الشعاع قرار داده است (داری، ۱۳۹۵: ۲۱۵).

بدین سان اگر تاپیش از این، بر اساس نظریه زیست بوم جنایی، چنین استدلال می‌شد که جرم در منطقه خاصی مثل حاشیه شهر توسط افرادی که گرفتار نابسامانی اجتماعی هستند، ارتکاب می‌یابد و شاید با الحاق حاشیه شهر و ایجاد عمران و آبادی، احساس عدم تعلق افراد به آن سرزمین مرتفع

۱. اساساً مدل محافظه‌کار ترکیبی از عناصر تئوری جرم‌شناختی کلاسیک است (با تأکید بر اراده‌گرایی، مسئولیت شخصی و تئوری انتخاب عقلایی) مبنی بر این که رفتار مجرمانه شخص بر حسب علم و به‌طور حساب شده نسبت به مضار و منافع عمل ارتكابی صورت می‌گیرد (وایت، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

۲. ریزوم از ریشه یونانی Rhizoma به معنای توده-ریشه است و در زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی به گیاهی اطلاق می‌شود که اغلب دارای ریشه‌های خارجی و ساقه‌های خزنده است. اگر ریزوم را به قطعات کوچک تقسیم کنیم، هر قطعه قادر به تولید یک گیاه جدید است، برخلاف درخت که در نقطه‌ای ثابت ریشه می‌گیرد، ریزوم حتی هنگامی که شکسته یا از هم گسسته می‌شود، باز هم می‌تواند حیات خود را از سر بگیرد و در جهات دیگری رشد کند (رامین‌نیا، ۱۳۹۴: ۴۰).

می‌شود، اما امروزه با ریزومیک شدن جرائم شاهد آن هستیم که جرم در هر نقطه از شهر حتی در محیط‌های کنترل شده نیز رشد و توسعه می‌یابد؛ آن چنان که توسعه جهانی فضای سایبر و محدود نشدن به مرزهای جغرافیایی، گمنامی مرتکبان به همراه عدم حضور فیزیکی طرفین جرم، خصیصه رؤیت پذیری جرائم سایبری را به حداقل رسانیده است و رقم سیاه این جرائم را افزایش می‌دهد. امری که تکثیر سریع و ارتکاب ریزوم گونه بزهکاری را در پیوندهای افقی، نامرئی و زیرزمینی تسهیل می‌کند.

براین اساس جرم شناسی نو به طور عمده به (عامل‌های وضعی - فنی - بزهکاری)، یعنی وضعیت‌های پیش جنایی، و نیز عوامل خطر موجود نزد بزهکار تکیه می‌کند که زمینه تحقق و فرصت‌های ارتکاب جرم و تکرار جرم را آسان تر می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۳۰) به عبارت دیگر، فناوری‌های نوین، امکان کنترل جامعه را افزایش داده و وقوع ریزومیک شدن جرائم را سخت تر می‌کند؛ شاخصه‌ای که در فضای دیجیتالی و دنیای مجازی استفاده حداکثری را به خود اختصاص داده است.

در خصوص دیگر جرائم ریزومیک شده در دنیای مادی و در غیر از نقاط جرم خیز، مانند مراکز شهر، محله‌ها، فروشگاه‌ها، پارک‌ها و غیره نصب دوربین‌های مدار بسته، استفاده از شبکه‌های فعال خبرگیری، شنود مکالمات مظنونان، استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، ردیاب‌ها و غیره می‌تواند منجر به محدودیت حوزه ارتکاب جرم و قطع شبکه ریزومیک بزهکاری در محیط پیرامونی شود (دارابی، همان)؛ امری که تلاقی تدابیر پیشگیرانه از ریزومیک شدن جرائم با فن آوری اطلاعات و ارتباطات را در کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی اجتناب ناپذیر می‌سازد و بسیاری از تمهیدات طراحی شده در راهبردهای پیشگیری را متضمن استفاده از پاسخ‌های پیشگیرانه برخاسته از گونه وضعی فناورانه می‌کند. مؤلفه‌ای که زمینه‌های گرایش بیش از پیش به پیشگیری موقعیت مدار و ایجاد جامعه سراسرین را با استدلال نظارت جسم‌مند، نتیجه محوری و سهولت تغییر موقعیت جرم نسبت به تغییر شخصیت بزهکار فراهم می‌سازد.

نتیجه

در جوامع مردم‌سالار که مدل سیاست جنایی آن‌ها آزادی‌مدار یا دموکراتیک است، وجه غالب دیدگاه‌های ساختاری پیشگیری از جرم با تاسی از یافته‌های جرم‌شناسی واکنشی اجتماعی، محقق

ساختن موازینِ حداقلیِ عدالت اجتماعی توسط دولت‌ها از طریق تدابیر پیشگیری اجتماعی با رعایت شأن و کرامت انسانی بوده است؛ از این رو اگرچه این رویکرد نافی آزادی اراده در ارتکاب جرم نیست، انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد را محصول صرف ارادهٔ ایشان نمی‌داند و عوامل مولد جرم همچون فقر، بیکاری، شرایط نامساعد خانوادگی، درونی‌نشدن ارزش‌های اجتماعی، تبعیض و ... را در افزایش احتمال ارتکاب جرم مؤثر می‌داند.

بی‌شک سیاست جنایی جرم‌شناختی زمانی کارا و علمی خواهد بود که داده‌های قابل استفاده برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این زمینه، نتیجهٔ مطالعات و تحقیقاتی باشد که بر روش‌ها و ابزارهای قابل اعتماد انجام شود (اتف، ۱۳۷۳: ۵۷۰). براین مبنا امنیت پایدار جامعه منوط به پیشگیری مشارکت‌مدار، احساس مسئولیت مردم و به‌کاربردن اقدامات پیشگیرانهٔ طولانی‌مدت اجتماعی مجریان دولتی است (Edwards & Hughs, 2009: 67). با این وصف تدابیر کنشی غیرقهرآمیز و پیشگیری حقوق بشرمدار در این کشورها فزونی یافت؛ نگرشی علمی که در قالب پیشگیری عادلانه از جرم در دهه‌های متمادی، راهبرد اصلیِ جوامع تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی بود.

اما این وضعیت سه یا چهار دهه بیشتر نپایید و با افزایش احساس ناامنی و ترس از جرم در این جوامع به دلیل ارتکاب جرائم تروریستی، سازمان‌یافته‌شدن و جهانی‌شدن بزهکاری، ریزومیک‌شدن جرائم و به قدرت رسیدن احزاب طیف راست، مفهوم امنیت در مدل دموکراتیک سیاست جنایی دستخوش تغییر شد و اتخاذ گونه‌های پیشگیری تدافعی پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و تغلیب پیشگیری وضعی با مستمسک قرارگرفتن جامعهٔ امن در کشورهای آمریکای شمالی و اروپا رقم خورد.

بدین ترتیب، اگرچه بین حقوق بشر به‌عنوان یک رشتهٔ هنجاری و قاعده‌مند و جرم‌شناسی به‌عنوان یک رشتهٔ تجربی، همواره تعامل وجود داشته و تضمین‌های فراوانی در پرتو اصول حقوق بشر، کاربرد یافته‌های جرم‌شناختی را مقید کرده است، (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) فضای احساسی و روانی، جایگزین رویکرد عقلانی نسبت به تهدید جرم قرار گرفت و دولتمردان جوامع مردم‌سالار نیز با مبالغه در این زمینه، وعدهٔ تأمین امنیت را در قالب شعارهای انتخاباتی، به گفتمانی غالب با مصارف سیاسی تبدیل کردند که این مهم در بستر مطالبات روزافزون مردم جهت تضمین امنیت جانی، مالی و روانی شهروندان و پیروزی انتخاباتی احزابی که حامی سزاگرایی و سیاست جنایی سخت‌گیرانه بودند، در جوامع مردم‌سالار تشدید شد.

به هر رو، اگرچه در ابتدا دگردیسی راهبرد پیشگیری از جرم و متمایل شدن گونه‌های پیشگیری از جرم در نظام‌های مردم‌سالار سیاست جنایی به سمت مدل‌های تحدیدگر فضای آزاد جامعه، بدون وجود تضمینات لازم جهت مخدوش نشدن حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان نبود و به عبارت دیگر قرابت مقطعی کشورهای تابع مدل مردم‌سالار به مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی در راهبرد پیشگیری از جرم با التزام به رعایت آموزه‌های حقوق بشری صورت می‌گرفت، اما در سال‌های اخیر و با ملاحظه قوانین معنونه تازه تصویب شده، می‌توان دریافت که واضعان سیاست جنایی کشورهای مردم‌سالار برای مبارزه با ناامنی‌های اخیر گروه‌های تروریستی، نسبت به ارزش‌گذاری قوانینی دست‌یازیده‌اند که گذر از مؤلفه‌های حقوق بشری را نیز توجیه نموده و پیشگیری معلول‌مدار را جایگزین راهبرد علت‌مدار کرده‌اند؛ وجه ممیزه‌ای که محل تقابل پارادایمی جرم‌شناسی «گذار از اندیشه به عمل» با جرم‌شناسی «تعامل‌گرا یا واکنش اجتماعی» است و استحاله جامعه امن با رویکرد آزادی‌مدار را در جامعه امنیتی با نگرش امنیت‌مدار رقم زده است.

به هر رو، اگرچه از یک سو با استقبال رو به افزایش دولت‌های مردم‌سالار از گونه‌های موقعیت‌مدار پیشگیری از جرم روبه‌رو هستیم، اما از سوی دیگر ضرورت صیانت از آزادی‌های بنیادین و جلوگیری از تحدید یا تهدید حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع شهروندان، لزوم پوشش قانونی و هنجارمند تدابیر پیشگیرانه را در قالب حقوق پیشگیری، بیش از پیش نمایان می‌سازد.

منابع

فارسی

کتاب

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، **جرم شناسی پیشگیری**، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام (بی تا)، **مجموعه روبه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، **بازپرووری عادلانه مجرمان**، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷)، **پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- اتنف، رونالد (۱۳۷۳)، **نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی**، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴.
- آرنت، هانا (۱۳۶۶)، **توتالیتاریسم**، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- ایروانیان، امیر (۱۳۹۲)، **نظریه عمومی سیاست گذاری جنایی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- جندلی، منون (۱۳۹۳)، **درآمدی بر پیشگیری از جرم**، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چ اول، تهران: نشر میزان.
- خواجه نوری، یاسمن (۱۳۹۲)، **جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار**، چ اول، تهران: نشر میزان.
- دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، **پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، **ریزومیک شدن پیشگیری از جرم در پرتو ریزومیک شدن ارتکاب جرم**، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۲.
- دارابی، شهرداد و نجفی توانا، علی (۱۳۹۵)، **مطالعه تطبیقی پیشگیری از جرم در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی**، فصلنامه حقوق تطبیقی مفید، شماره ۱۰۵.
- دلماس - مارتی، می‌ری (۱۳۹۵)، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- رامین‌نیا، مریم (۱۳۹۴)، **رویکرد ریزوماتیک و درختی، دو شیوه متفاوت در آفرینش و خوانش ادبی**، فصلنامه ادب پژوهی، شماره ۳۲.
- زینالی، امر حمزه (۱۳۹۴)، **جهانی شدن حقوق کیفری (در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی)**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- شاو، مارگارت (۱۳۹۴)، **الگوهای بین‌المللی پیشگیری از جرم**، ترجمه شهرداد دارابی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال یازدهم، شماره ۳۴.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، **سیاست جنایی سخت گیرانه**، تهران: نشر میزان.
- قماش، سعید و عارفی، مرتضی (۱۳۹۶)، **موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم**، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳.
- گسن، رمون (۱۳۸۳)، **تحولات سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲**، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- گسن، رمون (۱۳۸۸)، **تحولات سیاست جنایی دموکراسی‌های غربی؛ مطالعه سیاست جنایی فرانسه**، ترجمه شهرام ابراهیمی، در: تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، **گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲**، در: حج اندیشه، یادنامه استاد شهید دکتر ناصر قربان‌نیا، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، **جرم‌شناسی حقوقی**، در: دائرة المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، **کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار**، در: تازه‌های علوم جنایی، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، **پیشگیری عادلانه از جرم**، در: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمدآشوری، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، **جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی**، دیباچه در: جرم‌شناسی فراملی، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، **درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)**، دیباچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، **از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی**، یادنامه شادروان دکتر نوربها، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ضمیمه شماره ۵۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، **درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا**، دیباچه در: کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، چ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷)، **درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن**، در: دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، به کوشش دکتر عباس شیری، چ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴)، **به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری**، دیباچه در: دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، ولش، براندون سی و فارینگتون، دیوید پی، برگردان: گروهی از پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به کوشش حمید رضا نیکوکار، تهران: انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، **جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم**، دیپاچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم، ۱۳۹۱ قابل دسترسی در: Lawtest.ir
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب زاده، محمد جعفر و شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۷۹)، **جرم‌سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا**، فصلنامه مدرس، دوره ۴، شماره ۴.
- نجفی توانا، علی و دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، **درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و انواع آن**، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴.
- وایت، رابرت (۱۳۹۱)، **وضعیت پیشگیری از جرم، مدل‌ها، شیوه‌ها و ملاحظات سیاسی**، مترجمان شهرداد دارابی و قادر زارع مهدوی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۱.
- هبرشت، پاتریک (۱۳۹۵)، **پیشگیری از جرم در دولت فدرال بلژیک: از سیاست سوسیال دموکراتیک به سوی سیاست نئولیبرال و اقتدارگرا در یک جامعه دموکراتیک**، ترجمه شهرداد دارابی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، چ دوم، تهران: انتشارات میزان.

انگلیسی

- Edwards, Adam & Hughes, (2009), Gordon, The preventive turn & the Promotion of safer communities in England & Wales political inventiveness & governmental instabilities: political inventiveness & governmental instabilities.
- Wvekens, Anne (2009), The evolving story of crime prevention in France, in crime prevention policies in comparative perspective.